

آشنایی با «ترین» های ایران  
طولانی ترین قنات دنیا:  
قنات زارچ



آرزو احمدزاده

قنات همان کانالی است که در زیر زمین حفر شده است تا آب را از سرچشمه اصلی به سطح زمین برساند. قنات اولین بار به دست ایرانیان احداث شد و یکی از عمده ترین منابع تأمین آب به شمار می رفته است. باغ زارچ، قناتی است که در بخش زارچ از توابع شهرستان یزد قرار دارد. مجموعه مطالعات تاریخی درباره قنات زارچ، ایمن احتمال را تقویت می کند که زمان بهره برداری از این قنات در حدود سال های ۱۳۰۰ میلادی است. پس از ورود اسلام به ایران، مسجد جامع تاریخی شهر یزد نیز در حریم قنات زارچ ساخته شد و چند میله چاه این قنات در محدوده این مسجد قرار گرفت تا علاوه بر پر کردن آب انبار وسیع زیر مسجد، نمازگزاران بتوانند از طریق پایاب برای وضو گرفتن از آب قنات استفاده کنند که این پایاب هنوز هم قابل استفاده است. قنات زارچ یزد، از حوالی شهرستان فهرج آغاز و با عبور از روستاهای دهنو و کریمه وارد شهر یزد می شود. قنات زارچ پس از طی محله های گوناگون یزد همچون محله میدان امیر چخماق و همچنین مسجد جامع یزد، از این شهر خارج شده و به طرف زارچ ادامه مسیر می دهد. طول قنات زارچ به بیش از ۸۰ کیلومتر می رسد. از آب قنات زارچ ۸۰ خانوار کشاورزی استفاده می کنند و حدود ۲۵ هکتار سطح زیر کشت باغی از جمله باغات انار، انگور، انجیر، سیب، پسته و هلو به همراه ۴۰۰ هکتار سطح کشت زراعی تحت پوشش این قنات قرار دارد. قنات زارچ با عنوان طولانی ترین قنات ایران در فهرست جهانی یونسکو به ثبت رسیده است.

### افتتاح نمایشگاه احصایی با گرمای داشت ایران درودی

گالری گلستان پس از ۱۸ ماه کرونا از عصر جمعه هفتم آبان دوباره درهایش را به روی مردم گشود تا روایتی متفاوت



از استاد بزرگ خط و نقاشی خط ایران بینندگان مآخبر در گذشت ایران درودی بر همه چیز سایه انداخته به گزارش هنر آنلاین، کسی تصور نمی کرد افتتاحیه نمایشگاه عکس های ۵۰ ساله سیدمحمداحصایی در گالری گلستان رنگ غم و اندوه به خود گیرد. لیلی گلستان و محمداحصایی نمایشگاه را با گرمی داشت یاد نام بلند آواز ایران درودی و نیز همه هنرمندانی که در این ماه های کرونا زنده دار فانی را وداع گفتند آغاز کردند تا پایان ساعت نمایشگاه این تسلیت گویی ها با حضور هنرمند و هنردوستی ادامه یافت. اما گذشته از این تلخی مستمر، قدم زدن در نمایشگاه عکس های ۵۰ ساله احصایی و دیدار موزه های جهان از قلی که او ثبت کرده، حس جالبی به مخاطب می داد. اغلب عکس ها تاریخ ۱۳۴۸ را دند و مخاطب می فهمد احصایی این روزگار فقط ۳۰ سال داشت و برای آگاهی از دنیای هنر به تازگی در اروپا و آمریکا رفته بود. «کنج باز یافته» عنوان این نمایشگاه و کتاب است، بهزاد حاتم، در بخش هایی از کتاب درباره است، چگونگی شکل گیری این رویداد نوشته است: «من نخستین بار عکس ها را در یکی از سر زدن هایم به آتلیه احصایی در سال ۱۳۸۹ دیدم. اسلایدها را صد و ده بیست تایی را ریخت روی یک لایت باکس. به یاد نمی آورم چه شد که احصایی اسلایدها را نشانم داد ولی بی گمان از این روی بود که او آدم گشوده ای ست». لنز دوربین احصایی در موزه های معتبر دنیا هم چون لوور، هنر مدرن نیویورک، متروپلیتن... معطوف به باز نمایی آثار هنری نیست، او تلاش می کند تا مسافر محیط را در یاد، در عکس ها پیداست برای او مواجهه مخاطبان با آثار هنری، دیدار انسان با هنر اهمیت دارد و این در روز گاری ست که تهران هنوز موزه هنر های معاصر ندارد. این نمایشگاه تا دوازدهم آبان دایر است و سپس به استقبال چهارمین دیدار هنر مند می رود.

### نوازنده و آهنگساز اهل هرات:

# با وجود طالبان هنر در افغانستان خواهد مرد



وحید خانه ساز

ایران، هلند و بلژیک هم کنسرت برگزار کرده ام.

در حال حاضر کجا ساکن هستید؟ گویا به تازگی به ایران نقل مکان کرده اید؟

متأسفانه در ماه های گذشته اتفاقاتی رخ داد که باعث شده به جمهوری اسلامی ایران بیایم. اواخر مردادماه امسال بود که به اتفاق خانواده ام به ایران آمدم و حال هم در شهر مشهد زندگی می کنیم.

اعضای گروه فعلی تان اهل ایران هستند؟

خیر ایرانی نیستند. هنگام مهاجرت از افغانستان اعضای گروه هم با من همراه شدند و به ایران آمدند. یکی از آن ها آوازخوان است و شاکر دودم است. طیلانوازم از دوستان هنرمند من است. در میان تمام اتفاقات بدی که از سر گذراندم، یکی از اتفاقات خوب این بود که به جشنواره موسیقی نواحی ایران دعوت شدیم و برای اجرای برنامه در کنار برادران و خواهران هنرمند ایرانی به کرمان رفتیم.

قاعد تا هیچ هنر مندی دوست ندارد و آوازی با مهاجرت را تجربه کند مگر مجبور باشد!

بله در دست است و ما نیز به دلیل شرایط بدی که دامن گیر افغانستان شد، مجبور به ترک خاکمان شدیم. در واقع قدرت گرفتن دوباره طالبان و تشکیل دولت جدید، مردم کشور را به در دست انداخت و ما هم از آن مشکلات و آسیب ها در امان نبودیم؛ لذا چاره ای جز ترک وطن نداشتیم.

هم همکاری های گسترده داشته ام. دو سال هم در دانشگاه کابل موسیقی درس داده ام و شاکر دانی داشتم. به اتفاق اعضای گروه هم به جز برگزاری کنسرت و حضور در فستیوال های مزار شریف، در کشورهای هندوستان، فرانسه، ایتالیا، اسپانیا، ترکمنستان، ازبکستان،

## هفته پرفراز و نشیب تئاتر ایران

با فروکش کردن ممنوعیت های کرونایی و بازگشایی سالن ها و برگزاری برنامه های متعدد، تئاتر ایران با ترافیک خبری و البته حواشی قابل توجهی روبه رو شده است. در کرمان، بانزدیک شدن به انتخابات انجمن نمایش، به نظر می رسد نهاد حراست اداره کل ارشاد این استان اقدام به حذف برخی نامزدها کرده است. درباره چرایی و چگونگی این حذف صحبت های بسیاری در فضای مجازی منتشر شده است؛ اما نکته قابل توجه آن است که انجمن نمایش در سامانه

مؤسسات وزارت ارشاد به عنوان یک نهاد خصوصی ثبت شده است و مشخص نیست به چه دلیل یک نهاد حراستی اقدام به حذف نامزدها کرده است. این موضوع با واکنش تند هنرمندان تئاتر روبه رو شده است. ماجرا زمانی عجیب می شود که انجمن نمایش نهاد چندان قدرتمندی در بدنه تئاتر استان ها نیست و صرفاً گلوگاه اندک پولی است که از تهران به جشنواره استانی و برخی نمایش ها تریق می شود. رقمی که از ۵۰ میلیون تومان فراتر نمی رود. اما در تئاتر شهر، با بهبود شرایط و پیدایش

نیروهای طالبان را می دیدیم که به مغازه ها، استودیوها و مراکز هنری می رفتند و تمامی سازها و ادوات مربوط به موسیقی را می شکستند و هنرمندان را به اسارت می بردند. کلا کار طالبان همین است و اصلاً چنین اتفاقاتی تعجب برانگیز نیست. شاید چنین مواردی برای شما عجیب باشد اما برای ما عادی است به این دلیل که طالبان را می شناسیم. کار طالبان که طالبان هنر است به این دلیل که آن ها می گویند شریعت اجازه نمی دهد شما ساز بزنید و موسیقی تولید کنید و آواز بخوانید. در صورتی که برعکس است و اسلام با هنر و زیبایی مخالف نیست. آن ها برای ظلم ها و ستم هایشان چنین دلیلی دارند.

از برخورد ایرانی ها و زندگی تان در ایران رضایت دارید؟ در میان مردم ما احساس غربت نمی کنید؟

زمانی که صدای ساز هنرمند بالا می گیرد و آواز سر می دهد، طبعاً خوشحال است. من اعضای گروه هم نیز حال که اجازه داریم ساز بزنیم و موسیقی اجرا کنیم، خوشحال و خرسندیم. از طرفی کشور شما برای ما با دیگر کشورها متفاوت است به این دلیل که جمهوری اسلامی ایران را خانه دوم خودمان می دانیم. ما با شما ایرانی ها همزیان، هم دین، هم مسلک و هم فرهنگ هستیم و چه از اینها بهتر؟! ما مانند خیلی های دیگر می توانستیم به کشورهای دیگر برویم و اگر اینجاری می بودیم و خوشحال نبودیم قاعدتاً به کشور دیگری نقل مکان می کردیم. ما و اقوام ایران احساس غربت نمی کنیم. ما افغان ها با ایرانی ها نسبت نزدیک داریم و چرا خوشحال نباشیم. اگر خوشحال نیستیم پس چرا اینجاییم؟ همزیستی افغانستانی ها با ایرانی ها اتفاق جدیدی نیست. مادر دوران روس ها هم به ایران مهاجرت کرده ایم و در دهه های گذشته نیز این تعاملات وجود داشته است. ما از جمهوری اسلامی ایران، از دولت و از مردم ممنونیم. بخصوص از مردم ایران بسیار ممنونیم و هر چه از آن ها تشکر کنیم کم است. مردم ایران مانند برادران و خواهران ما به ما محبت می کنند و آنقدر به ما لطف دارند که هر چه بگویم کم است. واقعا اگر محبت مردم نبود ما الان اینجا نبودیم و با شما صحبت نمی کردم.

شما قبلاً هنر در جشنواره ها و رویدادهای هنری ایران شرکت کرده بودید و با هنر موسیقی و هنرمندان ایرانی آشنایی داشتید؟

بله، ما قبلاً آن زمان که در افغانستان بودیم، معمولاً هر سال از هرات به ایران دعوت می شدیم تا در جشنواره ها و برنامه ها اجرا داشته باشیم. بالاخره با دوستان هنرمند ایرانی از قبل آشنایی

### با آمدن طالبان هنر در افغانستان مرد و به فراموشی سپرده خواهد شد. ما هنر مندیم و مجبور به ترک افغانستان شدیم، چون هنری وجود نداشت و با این وجود مهاجرت ما منطقی است

### به عنوان یکی از هنرمندان افغان بگویند با وجود طالبان هنر در افغانستان چه سمت و سوی پیدا کرده است؟

متأسفانه هنری باقی نمانده است. بگذارید اینطور بگویم که با آمدن طالبان هنر در افغانستان مرد و به فراموشی سپرده خواهد شد. ما هنر مندیم و مجبور به ترک افغانستان شدیم، چون هنری وجود نداشت و با این وجود مهاجرت ما منطقی است.

### بودید از این تجربه تلخ بگویند. بله من نیروهای طالبان را از نزدیک دیدم و مدتی در چنگالشان اسیر بودم. سال ۱۳۷۵ بود که مرا اسیر کردند و مورد شکنجه و آزار و ضرب و شتم قرار دادند. آن مرا سوزاندند و کارهایی کردند که مرگ را به چشم دیدم. با قدرت یافتن دوباره طالبان (که ماهیت و عملکرد قبلی را بی گرفته) در ماه های گذشته این نگرانی وجود داشت که ما از بین ببرند و به همین دلیل مجبور شدیم به ایران بیایم. شما بگویید جز این چه راهی داشتیم؟

طی چند ماه گذشته فیلم های ناراحت کننده ای از افغانستان منتشر شد که بسیار تاتر برانگیز بود. در یک یا چند فایل منتشر شده

داشته ام و آن ها چنین حضورهایی را رقم زده اند و از آن ها ممنوم. اما این اولین بار است که در جشنواره موسیقی نواحی شرکت کرده ایم که برایمان تجربه خوبی بود و خاطرات زیبایی به جا گذاشت. البته من و گروه هم، سال ۱۳۷۶ هم به کرمان آمدم و به مناسبت تولد رسول اکرم (ص) سه روز کنسرت اجرا کردیم. این اتفاق زمانی افتاد که طالبان پای مرا سوزانده بودند و به همین دلیل به ایران آمدم.

موسیقی افغانستان با موسیقی منطقه وسیع خراسان مشترکاتی دارد؛ کمی از ویژگی های مشترک میان موسیقی افغانستان و ایران بگویند.

ما به لحاظ فرهنگی با مردم ایران و خراسان مشترکات بسیار داریم و این اتفاق از نسل های قبل و آن زمان که اجدادمان در قید حیات بوده اند، وجود داشته است. در کل رسم و رسوم ما با ایرانی ها، خصوصاً با اهالی بیرجند، مشهد و بالاخره خراسان که زمانی

استانی بزرگ بوده، یکی است. قاعدتاً این یکی بودن در موسیقی هم وجود دارد و نگاهی به آثار گذشته هم دلیلی بر این مدعا است. منتهی آنچه وجود دارد اختلافات کوچکی است که در برخی موارد وجود دارد. مثلاً از نظر علم موسیقی، تفاوت موسیقی ایران با موسیقی افغانستان یک ربع پرده است.

یعنی آن ربع پرده در موسیقی ایران وجود دارد و ما آن را نداریم.

می گویند سازهایی که ربع پرده ندارند ندرتاً ندرتاً هستند؛ مانند تنبور یادوتار.

بله تنبوری که مولانا جلال الدین بلخی نیز از آن یاد کرده، چنین وضعیتی دارد. این شباهت ها و مشترکات در نوعی نام گذاری سازها هم وجود دارد. مثلاً هندی ها سازی دارند که «سیتار» نام دارد. «سه تار» کلمه فارسی «سیتار» است و ریشه این عناوین یکی است. حتی می توان گفت اغلب سازهای زهی از زوری تنبور ساخته شده اند.

جالب است که در همه مناطق ایران مانند کردستان، بلوچستان، مازندران و حتی در دیگر کشورهای خاورمیانه تنبور داریم که البته شکل و ساختار فیزیکی ساز و نوع پرده بندی ها و مقام های آن ها متفاوت است. در این میان تنبور افغانستانی ها چه ویژگی هایی دارد و چطور نواخته می شود؟

به هر حال من تنبور منطقه کردستان را ندیده ام اما این را می دانم که تنبور در مناطق مختلف ایران و خارج از ایران دارای تفاوت هایی است. ما در موسیقی افغانستانی «سبتک» داریم (مت سبتک،

به نظر من مسئولان یونسکو درباره قدمت و ثبت دوتار به اندازه کافی تحقیق نکردند. بهتر بود این ساز به نام ایران و افغانستان ثبت شود به این دلیل که ما افغانستانی ها با ایرانی ها فرهنگ و دین و مذهب مشترکی داریم

مندرسبتک و تار سبتک) که دارای «تیشین» بین المللی و امروزی است. در واقع «سبتک» به لاتین «saptak» مجموعه ای از ۱۲ صوت است. درباره تنبور افغانستان هم باید بگویم این ساز با تنبور مرسوم در مناطق مختلف ایران، متفاوت است. ساز ما برخلاف تنبور ایرانی دارای ۲۷ پرده است و با انگشتان دست نواخته می شود. نوای ساز ما مشابه نوای «سیتار» یا «سه تار» است.

درباره دوتار افغانستان هم توضیح دهید.

بله تار هم ساز دیگر ماست که «دوتار» نام دارد و اساس آن دوتار قدیم خراسان یا دوتارهای خراسان قدیم است. به هر حال ساز دوتار هم با آنکه اصل آن در ایران و افغانستان یکی است اما دارای تفاوت هایی است.

این ساز هم با «تیشین» امروزی عیار شده است. می توان گفت دوتار سازی کامل است و نقص و کمبودی ندارد و حتی می تواند با ارکسترهای جهانی همراهی کند. دوتار ما حدود یک متر و سی سانت طول دارد و آن را با خانک می نوازیم. سیم های دوتار ما که قبلاً از روده احشام ساخته می شده، یک تار اصلی و سیزده تار فرعی دارد. دوتار مادر

واقع، دارای نوزده پرده است و بیشتر در غرب و شمال افغانستان رواج دارد و آن را با عناوین دوتار هراتی، ترکمنی و ازبکی می شناسند.

حدود دو سال پیش دوتار به عنوان یکی از میراث های هنری ایران به ثبت رسید. به عنوان یکی از دوتار نوازان افغان نظر تان درباره این اتفاق چیست؟

به نظر من مسئولان یونسکو درباره قدمت و ثبت دوتار به اندازه کافی تحقیق نکردند. بهتر بود این ساز به نام ایران و افغانستان ثبت شود به این دلیل که ما افغانستانی ها با ایرانی ها فرهنگ و دین و مذهب مشترکی داریم.

به نظر تان آیا آینده افغانستان با وجود تمام مشکلات موجود چگونه خواهد بود؟

واقعا نمی دانم؛ هیچ آینده ای برای کشورم متصور نیستیم و نمی دانم سر نوشت کشور و هموطنانم چه خواهد بود.

مریوان در حال برگزاری است. پانزدهمین جشنواره بین المللی تئاتر خیابانی مریوان در بخش های آزاد و آیینی و سنتی و همچنین بخش های ویژه، دگرگونه های اجرایی، جشنواره و کودک و نوجوان برگزار می شود. سعید اسدی، فرهاد قلمیان و محسن ارشدی داور دوی بخش آزاد و آیینی و سنتی پانزدهمین جشنواره بین المللی تئاتر خیابانی مریوان را بر عهده دارند. بخش های ویژه، دگرگونه های اجرایی، جشنواره ها و کودک و نوجوان پانزدهمین دوره جشنواره بین المللی تئاتر خیابانی مریوان توسط سیمین امیریان، سیروس همتی و علیرضا استادی داور می شود. این جشنواره تا دهم آبان ماه در شهر مریوان برگزار می شود.



متعدد فرهنگی در حال رخ دادن است. پس از بازگشت دو نمایش «داستان باغ وحش» و «هن ها»، صدرالدین زاهدبار دیگر نمایش «فسانه پیر» خود را در تئاتر شهر روی صحنه برده است. این نمایش برای نخستین بار در جشنواره ۲۴ فجر و سپس در تماشاخانه شهزاد روی صحنه رفته بود. آقای زاهد همچنین در دو نمایش «طوفان» از مصطفی کوشکی و «کترنون» از هادی مرزبان در تئاتر شهر به زودی ایفای نقش می کند. اما آیین رونمایی از کتاب «گفت و گو با برشت» نوشته ورنر هشت و ترجمه محمد رضا خاکی روز یکشنبه هم آبان ماه در تالار مشاهیر مجموعه تئاتر شهر برگزار می شود. این رونمایی پس از مدت ها تعطیلی سالن مشاهیر تئاتر شهر می دهد. قرار است در این نشست محمد رضا

مریوان در حال برگزاری است. پانزدهمین جشنواره بین المللی تئاتر خیابانی مریوان در بخش های آزاد و آیینی و سنتی و همچنین بخش های ویژه، دگرگونه های اجرایی، جشنواره و کودک و نوجوان برگزار می شود. سعید اسدی، فرهاد قلمیان و محسن ارشدی داور دوی بخش آزاد و آیینی و سنتی پانزدهمین جشنواره بین المللی تئاتر خیابانی مریوان را بر عهده دارند. بخش های ویژه، دگرگونه های اجرایی، جشنواره ها و کودک و نوجوان پانزدهمین دوره جشنواره بین المللی تئاتر خیابانی مریوان توسط سیمین امیریان، سیروس همتی و علیرضا استادی داور می شود. این جشنواره تا دهم آبان ماه در شهر مریوان برگزار می شود.